

سیرجان مقصد جذاب کارتون خواب‌ها!

فاطمه شهسواری

گزارش

شهر و پاتوق شدن اماکن عمومی و ملک‌های خصوصی بی‌استفاده برای معتادان متجاهر انتشار یافت. مشکلی که جنسیت بردار نبود اما به خاطر شرایط خاص جامعه آسیب‌های زنانه این معضل اجتماعی برای جامعه‌ی سیرجان بیشتر بود. هیچ مسئولی کاری نکرد. گرمخانه‌ای هم اگر ایجاد شد، منحصراً مردانه شد. درحالی‌که اوضاع زنان بی‌خانمان بغرنج‌تر بود. بغرنج‌تر به خاطر اینکه بیشتر از مردان بی‌خانمان دچار آسیب می‌شوند و به همین نسبت هم بیشتر به جامعه آسیب می‌زنند. در این سال‌ها این پدیده کم‌کم که ند هیچ بیشتر هم شد. صبح زود از خانه بیرون می‌زدنی که نان بخری، می‌بینی دختری جوان و بی‌خانمان گرد یا مواد مخدر مصرف کرده و بی‌هوش وسط پارک محله افتاده.

پرس و جو هم می‌کنی می‌فهمی در اصل مال سیرجان نیست که در این صورت خانواده‌اش جمعش می‌کردند. از شهر دیگری آمده و شده مهمان ناخوانده شهر ما! واردات کرده ایم خیر سرمان. این‌ها در شهر به حال خود رها شده‌اند. یکی جوان‌تر است و هنوز بر و رو دارد و سعی می‌کند با لباس‌ها و کیفی که از دیوار مهربانی برداشته بود، در پارک‌های محله‌ای بنشیند و نعشه کند و برقصد تا شاید ماشینی سوارش کند و ببرد... دیگری مسن‌تر است و امید ندارد و وقتی خمار می‌شود در سرسره می‌خوابد که گرم شود و جلب توجه هم نکند. در همه‌ی این سال‌ها به همت بی‌همتی و انفعال مسئولان ما حضور بی‌خانمان‌ها در پارک‌ها عادی شد حتی با همه‌ی خطرات بهداشتی مثل رها شدن یک سرنگ آلوده در پارک که ممکن بود بچه‌ای به آن دست بزند تا خیلی مصائب اجتماعی دیگر مثل شیوع ایدز و سوزاک و هیپاتیت و... که جای گفتنش نیست.

راستی چرا همیشه باید کار یک مشکل بیخ پیدا کند تا مسئولان ما به فکر بیفتند؟! چرا؟ چند سال نشریات نوشتند و نتیجه‌ش چه شد جز منت گذاشتن مسئولان برای پیگیری حال یک زن بی‌خانمان برای راهی کردنش به کمپ کرمان!

سیرجان می‌ماند و کلی بی‌خانمان دیگر...

بهتر است هرچه زودتر فکر اساسی بشود. این معضل از معضل گدایان و متکدیان نیز برای سیرجان خطرناکتر است و چهره‌اش برای آبرو اعتبار شهر زشت‌تر. بهتر است مسئولان با هم فکری هم‌کاری بکنند. فردا شاید دیر باشد.

چادرهای مسافرتی همیشگی را در پارک‌هایی مثل مسافر و هفده شهریور همه‌ی ما دیده‌ایم. مسافرانی که انگار قصد رفتن ندارند و جا خوش کرده‌اند. این مسافران که هستند. گاهی می‌بینی توی کانال سرسره‌های آدم خوابیده! حتی در بوستان‌های محله‌ای با چنین پدیده‌هایی روبرو شده‌ایم که از این منظر فضاهای سبز سیرجان را به جای اینکه محلی امن برای بازی بچه‌ها کند، محلی خطرناک برای حضور آنان کرده است تا در این روزگار کوچک شدن خانه‌ها و حذف حیاط، محله نیز از بچه‌های امروزی دریغ بشود. یاد نمی‌رود آن شبی از تابستان ده سال گذشته را که برای تهیه گزارش از شرایط موقوفه انوری و زیست چند مرد و زن معتاد و بی‌خانمان به آنجا رفتیم. تابستان‌ها در خود موقوفه مستقر بودند و زمستان‌ها در اتاق‌های قدیمی زمین مجاورش. اتاق‌هایی که درست بعد از انتشار گزارش تخریب شدند! تنها کاری که مسئولان شهر ما بلد بوده و هستند، پاک کردن صورت مساله بوده و هست.

بعد از آن، چه بسا بی‌خانمان‌ها نفرینی ما خبرنگاران فرستادند و در خانه‌های سنتی رو به تخریب و خالی از ساکن، ساکن شدند. به نوعی در همه‌ی شهر تکثیر شدند. پخش شدند در همه‌جا. یکی شان سابقا در خانه‌ی صدرزاده می‌خوابید. تزیینی بود و نقاشی خوبی داشت. با زغال روی دیوارهای خانه نقاشی‌های قشنگی می‌کشید. مرمت آن خانه که شروع شد، دیگر ندیدمش جز یکی دو بار جلوی داروخانه‌ها که مشغول گدایی بود.

برخی شان رفته بودند در یک خانه قدیمی دیگر در نزدیکی همان موقوفه انوری. خانه‌ای درست نبش چهارراه موسوم به پوست فروش‌ها. تیتیر گزارش آن خانه را شیره کش خانه‌ی حافظ گذاشته بودیم. چون درست بالای در ورودی خانه، تابلوی نام خیابان خورده بود: «حافظ». نام شیره کش خانه‌اش هم که از کاربری جدید خانه ناشی شده بود. جمعی معتاد مرد و زن که کارشان در یوزگی در روز و مصرف مواد در شب است. اتاق‌های دود گرفته. متجاهران زن و مردی که گاهی در پارک ۱۷ شهریور دور همی داشتند و گاهی در پارک مسافر چادر زده بودند و خدمات ارائه می‌دادند. حتی چندتانشان هم رفته

بودند در خانه‌ی سنتی سرکوچه‌ی بادگیر چپقی و حتی در خود ساختمان بادگیر چپقی. کارشان روزها گشتن دنبال زباله بود یا گدایی برای خرید هر ماده مخدری که به پولشان رسید. شب‌ها هم اگر گرم بود که غمی نداشته و ندارند و به قول سعدی: «تابستان پدر یتیمان است.» اگر هم سرد بود و زمستان، یک حلبی نیاز است که در هر گاری زباله‌ای پیدا می‌شود، با مقداری چوب که اگر پیدا نشد، خود خانه خرابه‌های قدیمی در و پنجره‌ی سنتی زیاد دارند. هر شبی یک لنگه در سوخته می‌شد تا زنان و مردان بی‌خانمان جمع شده در این خانه‌ها گرم شوند.

همه‌ی این سال‌ها این همه گزارش از وضعیت

